

درس‌ها و عبرت‌های؛ 94 نقشه راه 95

سال 94 با همه حوادث و اتفاقات تلخ و شیرینش به انتها رسید و صفحه دیگری از عمر ما بسته شد.

گزارش تحلیلی کیهان از سالی که گذشت

درس‌ها و عبرت‌های؛ 94 نقشه راه 95

سال 94 با همه حوادث و اتفاقات تلخ و شیرینش به انتها رسید و صفحه دیگری از عمر ما بسته شد. به جز آنچه در عرصه زندگی فردی هریک از ما رخ داد و می‌تواند چراغ راه آینده ما باشد، در عرصه اجتماعی کشورمان موضوعات مختلف رخ داد که بدون توجه به آنها و در نظر گرفتن عبرت‌های ناشی از آن، نمی‌توان روزهای سال آینده را با موفقیت پیمود. اما همان گونه که رهبر عزیز انقلاب در سال 94 در چند نوبت اشاره کردند، امروز مهمترین موضوع کشور و اصلی‌ترین دغدغه مردم، مسئله اقتصاد است و بدون توجه به این مهم، نمی‌توان برای فردای مردم کاری کرد و تصمیمی گرفت. در همین رابطه کارنامه دولت، برآورده شدن نیازها و مطالبات مردم، ناکامی‌ها و ناامیدی‌ها و یا امیدواری‌هایی که به آینده دارند، بهترین ابزار برای ترسیم چشم‌اندازی روشن برای فرداست. اگر دولتمردان تنها در همین یک موضوع یعنی در اقتصاد و معیشت مردم، از گذشته عبرت بگیرند و همه آنچه نباید می‌کردند را تکرار نکنند و آنچه برای مردم انجام ندادند را بکار ببندند، قطعاً سال 95، به مراتب شیرین‌تر از سال 94 خواهد شد. با اینکه کیهان در طول سال جاری، به کرات و از سر شفقت و همراهی با دولت و دلسوزی برای آنها و برای مردم، جزئیات مشکلات مردم را و نیز کژئی‌ها و ناراستی‌های دولتمردان را نوشت و به تشریح آنها و ارائه راهکار برای برون رفت از وضع ناراحت‌کننده اقتصادی پرداخت، اما بازهم از باب اثبات نصیح و دلسوزی و برای اتمام حجت با همه آنها که امید داریم گوش شنوایی داشته باشند و دل در گرو آبادانی ایران، مروری بسیار فشرده بر چند موضوع مهم و تاثیرگذار دولت یازدهم در سال 94 می‌کنیم. به این امید که سال 95 سال عبرت‌گیری از این نکات باشد.

دانشمندان را

نا امید نکنید!

در سال 94 اخبار و گزارش‌های متعددی در زمینه افت علمی، کند شدن شتاب علمی کشور و ... منتشر شد. دانشمندان زیادی از رفتار نامناسب دولتمردان برایمان گفتند و نوشتند و ما هم بخش‌هایی از آن درد دل‌ها را با مردم در میان گذاشتیم. درد دل بچه‌های خونگرم و سخت‌کوش و خستگی‌ناپذیر پژوهشگاه پیشین هوا فضا را که در این دولت چند پاره شد و پروژه‌های مهم آن یکی پس از دیگری تعطیل شد و حقوق اعضای آن که با حداقل انتظار مشغول افتخارآفرینی برای کشور بودند قطع شد! بیکاری جمع زیادی از کسانی که روزگاری نه چندان دور مارا به باشگاه فضایی بردند. درد دل بچه‌های هسته‌ای را، درد دل بچه‌های ژنتیک و... را برای مردم روایت کردیم. بسیاری از حرف‌ها و گلایه‌های به حق فرزندان جامعه را ننوشتیم و شرمندۀ آنها شدیم. فقط به این دلیل که احساس تلخی به جامعه دست ندهد. اما نمی‌توان انکار کرد که مردم حدود سه سال است خبر علمی تازه‌ای نمی‌شنوند. پیش از این دل‌های ما امیدوار شده بود که هرچند یک‌بار خبر تازه‌ای از پیشرفت‌های دانشمندان جوان و عزیزمان در حوزه‌های مختلف علمی بشنویم. در نانو، در هسته‌ای، در هوا فضا، در بیوتکنولوژی و... در همه عرصه‌هایی که به فرموده رهبر عزیز انقلاب، عرصه علوم جدید بود و ما می‌توانستیم با مزیت نسبی مهم کشورمان یعنی تکیه به جوانان برومندمان، در آن عرصه‌ها از همه جلو بزنیم، کما اینکه چنین شده بودیم. اکنون دل ما برای آن اخبار تنگ شده و در ازای آن خبرهایی که دیگر نیست، خبر بیکاری دانشمندان جوان یا کوچ و سرخوردگی آنها، دل ما را به درد می‌آورد. اکنون و در اثر این رفتارها، سرعت رشد علمی ایران که روزگاری بخاطر آن به دنیا فخر می‌فروختیم، کند و کم شتاب شده و از روزهای نوید بخش و غرور آفرین گذشته فاصله گرفته‌ایم. فاصله‌ای که منجر به تذکر چند باره رهبر انقلاب شد. حال اگر دولتمردان دلشان به حال فردای ایران می‌سوزد، دانشمندان را ناامید نکنند که آینده کشور از آن آنهاست. دیگر حرف از تحقیر ایران و ایرانی با حرف‌های زشتی مثل تخصص در قرمه سبزی و بزباش یا با وارد کردن مدیر و ... نزنند. دیگر ده‌ها پست و سمت را برای خود

وابستگانشان حکم زنند و اجازه بدهند اندکی فقط اندکی از تصمیمات کلان کشور، بدست جوان ترها گرفته شود.

جوانان منتظر
شغل آبرومندند

اوضاع اشتغال در سالی که رو به پایان است بر هیچ کس پوشیده نیست. جمع زیادی از جوانان کشورمان بیکارند. به خصوص که در بین این خیل کثیر، تحصیل کرده‌ها سهم به سزایی را به خود اختصاص داده‌اند. گزارش‌های مراکز رسمی، همه و همه از تشدید این وضعیت خبر می‌دهد و کسی نیست که بتواند این حقیقت تلخ را انکار کند. حتی اگر کسی مثل رئیس‌جمهور هم بگوید برای یک میلیون و اندی جمعیت ایران شغل ایجاد کرده، کسی باور نمی‌کند و نمی‌پذیرد، حتی نزدیک‌ترین نزدیکان او! چون مردم با همه وجود بیکاری فرزندان‌شان را لمس می‌کنند و تبعات سوء آن را در همه حوزه‌ها، در افزایش بزهکاری‌ها در بالا رفتن سن ازدواج، در اعتیاد و هزار بلا و مشکل دیگر می‌بینند. این است که به آمارسازی‌هایی از آن دست که اشاره شد توجهی نمی‌کنند. افزون بر عدم ایجاد اشتغال در دولت یازدهم، افزوده شدن به جمعیت بیکار و بیکار شدن هر 5 دقیقه یک ایرانی، بلای خانمان سوز دیگری است که بدون کمترین تردید، حاصل عملکرد و سوء مدیریت دولتمردان دولت یازدهم است و معلوم نیست نزد مردم و نزد خدا چه جوابی برای آن دارند.

رکودی که گریبان کشور را گرفته، سبب نابودی زیرساخت‌های تولید و عقب‌ماندگی ایران در عرصه‌های مختلف شده است. عقب‌ماندگی‌هایی که گاه جبران آن به چند دهه زمان احتیاج دارد. علت پدید آمدن این رکود، برنامه ریزی غلط دولتمردانی بود که برای یک کشور بزرگ و پهناور و دارای میلیون‌ها جوان نخبه و میلیاردها ثروت آشکار و پنهان، نسخه انقباض مالی بستند تا با سختگیری و ریاضت اقتصادی، تورم را کاهش دهند! یعنی خون اقتصاد را منجمد کردن آن قدر که آن پیکر نیمه جان، رو به موت شد و در حالت احتضار قرار گرفت! اکنون نخستین ثمره سیاست غلط سی‌ماه گذشته دولت به بی‌رحمانه‌ترین شکل خود را نشان داده است و بیکاری به بدترین شکل ممکن گریبان جامعه را گرفته است. کاش دولتمردان سال آینده از این همه مصیبت و مشکل مردم عبرتی می‌گرفتند و برای گشایش کسب و کار و تولید قدمی برمی‌داشتند. کاش در اسفند سال 95 بتوانیم بنویسیم که مثلاً فلان تعداد شغل ایجاد شد و آن قدر جوان مشغول به کار شدند. البته نه به آن صورت که رئیس‌جمهور محترم گفتند، بلکه واقعی!

واردات، بلای جان تولیدات

دولت در سال 94 به موازات تشدید رکود و تعطیلی واحدهای تولیدی، برای آرام نگه داشتن جامعه و پاسخ به نیازهای واقعی و یا ساختگی و مصنوعی دست به واردات وسیع زد! هرچه واردات بیشتر می‌شد، بیکاری و ورشکستگی صنایع هم بیشتر می‌شد. بسیاری از صنایع، به طور کامل تعطیل شدند و کارگران‌شان خانه نشین شدند، در حالی که جامعه به کالا و محصول تولیدی آنها نیاز داشت. این مدل آرام نگه داشتن بازار، همان مدل پیشرفت صوری بود که مورد اعتراض رهبر عزیز انقلاب هم قرار گرفت. اکنون می‌توان سخن حسن روحانی در ایام تبلیغات انتخاباتی را به یاد آورد که با طعنه به دولت دهم گفته بود: «بله اشتغال ایجاد شد، اما برای کارگران چینی!» دقیقاً همان وضعیت ادعایی با شیب بسیار تند و ویرانگر اکنون به وجود آمده و روزی نیست که خبر از واردات وسیع کالایی که توان داخلی برای تولید آن وجود داشته نشنوم. در آخرین روزهای سال جاری بود که شنیدیم دولت با واردات ریل راه آهن، صنایع فولاد را به مرز ورشکستگی برده است! در حالی که امکان تولید آن به سادگی در فولاد مبارکه وجود داشته است! یا همین چند روز قبل بود که اتحادیه صنایع کاشی و سرامیک از اعضا خود خواست به مدت دوماه هیچ تولید جدید انجام ندهند، چون انبارها مملو از کالای بدون مشتری است و هیچ بازاری برای آن وجود ندارد! درست در همین شرایط، شما می‌توانید در بازار لوازم و مصالح خانگی، و انواع و اقسام سرامیک، موزائیک و چینی بهداشتی خارجی را ببینید! اکنون باید پرسید دولت در حال ایجاد اشتغال برای چه کسی است؟!

احیاء یک صنعت برای احیاء صدها صنعت

کاش دولتمردان، به جای همه شعارها هیاهوهایی که گوش فلک را کر کرده است، یک کار می‌کردند و آن اینکه صنعت ساختمان را احیاء می‌کردند. یا نه، کلا دست از سر ساختمان بر می‌داشتند و اجازه می‌دادند که مردم، به سلیقه و ذوق خودشان، شهرها و کوچه‌هایشان را آباد کنند. اکنون حدود سی ماه است صنعت ساختمان به خوابی سنگین رفته است و در نتیجه، میلیون‌ها نفر، شغل خود را از دست داده‌اند و یا با تزلزل شغلی مواجه شده‌اند. صدها رشته شغلی همچون صنایع فولاد و رنگ و شیشه و بهداشتی و آشپزخانه و ... در اثر نابودی صنعت مسکن، به ورشکستگی و رکود کامل رسیده‌اند و کارگران‌شان خانه‌نشین شده‌اند. هیچ کارشناس منصفی نیست که بتواند وجدانش را در نظر بگیرد و نقش مخرب وزارت مسکن و معرکه‌گردانان آن را در این رخداد غم‌انگیز انکار کند. اکنون افرادی در حال نسخه پیچیدن برای مسکن ملی هستند که خود، جزء مهم‌ترین ذی‌نفعان این عرصه‌اند و با سیاست‌های خاص و مخرب خود، از یک سو امید مردم برای خانه‌دار شدن را ناامید کرده‌اند و از دیگر سو ضربه جبران‌ناپذیری به تولید ملی زده‌اند. در مقابل، این عده نفع خود را در سفته بازی و وام بانکی و ... می‌بینند و رسماً وعده گرانی مسکن در سال آینده را می‌دهند! کاش دولت منفعت یک جمع کوچک رانت خوار و ناسازگار با منافع ملی را بر مصلحت یک ملت ترجیح نداده بود و مسکن مردم را وسیله سودجویی عده‌ای قرار نمی‌داد. و کاش لااقل برای سال بعد چنین نکند.

آنچه گفته شد، شمه‌ای از تلخی‌های سال 94 بود که قبلاً گفته شده بود و گفتن آن از باب تذکر مجدد و نمایاندن دوباره مشکلات مردم بود. قطعاً سال آینده این ایام، دولت سخت درگیر انتخابات ریاست جمهوری 96 خواهد بود و بازخوانی این پرونده در آن روزها فایده‌ای ندارد. اما اکنون که فرصت هست بهتر است که به فکر مردم و مشکلات آنان باشند که اگر حتی

هیچ چیز جز تکیه بر اریکه قدرت مهم نباشد راه آن، خدمت به مردم است و می توان کمبود و نقصان این موضوع مهم را آن قدر در جامعه و در بین سیاسیون پررنگ و تاثیرگذار دید که صدای نزدیک ترین حامیان رئیس جمهور را هم در آورده و باعث شده صراحتا اعلام کنند که روحانی با این کارنامه، انتخابات سال 96 را واگذار خواهد کرد. آیا برای آن روز هم شده، دولتمردان به خود خواهند آمد!؟